

اصول فقه کاربردی
جلد اول
(مباحث الفاظ)

حسین قافی
دکتر سعید شریعتی فرانی

تابستان ۱۳۹۵

قافی، حسین، ۱۳۵۰ -

اصول فقه کاربردی / حسین قافی، سعید شریعتی فرانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۵.

ج. ۳ - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۱۵، ۱۸۹، ۲۶۱. حقوق؛ ۷، ۱۸، ۲۵) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۰۴۳، ۱۵۱۴، ۱۷۳۴. الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)؛ ۱، ۲۰، ۲۴)

ISBN: 978-964-7788-57-1 (ج ۱)

بها: ۲۲۵۰۰ ریال

ISBN: 978-600-5486-20-9 (ج ۲)

بها: ۴۱۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-5486-21-6 (ج ۳)

بها: ۷۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-5486-22-3 (دوره)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه ج ۱: ص. [۲۹۵]-۳۰۱. همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.

مدرجات: ج. ۱: مباحث الفاظ. ج. ۲: ادله و منابع فقه. ج. ۳: اصول عملیه و تعارض ادله.

۱. اصول فقه. الف. شریعتی فرانی، سعید، نویسنده همکار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). د. عنوان.

۲۹۷ / ۳۱

۶ الف ۲ ق / ۱۵۵ BP

م ۸۵ - ۲۹۷۸۷

کتابخانه ملی ایران



اصول فقه کاربردی (ج ۱): مباحث الفاظ

مؤلفان: حسین قافی و دکتر سعید شریعتی فرانی

ناظران: حجج اسلام علیرضا امینی و دکتر محمدجواد ارسطو

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

حروفچینی و صفحه آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۹۵ (چاپ دوازدهم: بهار ۱۳۹۵)

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۲۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰)، نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،

ص. پ. ۳۷۱۸۵۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تلفن:

۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ • تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir



باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف،
اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۰

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) بیستمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب **اصول فقه کاربردی (ج ۱)** به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. کتاب حاضر به وسیله گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته حقوق در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علائم اختصاری

قانون اساسی	ق.ا.
قانون تجارت	ق.ت.
قانون مدنی	ق.م.
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا.
قانون مسئولیت مدنی	ق.م.م.
قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی	ق.آ.د.م.
قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری	ق.آ.د.ک.

فهرست اجمالی

فصل اول: کلیات و مفاهیم

مبحث اول: تعریف علم فقه و فلسفه پیدایش آن	۱۴
مبحث دوم: تعریف اصول فقه و موضوع آن	۲۳
مبحث سوم: تعریف حکم شرعی و اقسام آن	۲۹
مبحث چهارم: کاربرد علم اصول فقه در حقوق	۳۸
مبحث پنجم: تاریخچه علم اصول فقه	۴۳
مبحث ششم: سازماندهی مباحث اصول	۵۹

فصل دوم: مباحث الفاظ

مبحث اول: وضع و استعمال الفاظ	۶۹
مبحث دوم: اوامر	۱۱۹
مبحث سوم: نواهی	۱۴۰
مبحث چهارم: مفاهیم	۱۴۶
مبحث پنجم: عام و خاص	۱۸۴
مبحث ششم: مطلق و مقید	۲۵۳
مبحث هفتم: مجمل و مبین	۲۸۴

فهرست تفصیلی

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
مقدمه.....	۱۳
مبحث اول: تعریف علم فقه و فلسفه پیدایش آن.....	۱۴
برای مطالعه بیشتر (۱): نگاهی به روند شکل‌گیری و تحولات علم فقه.....	۱۶
الف - تحولات علم فقه در مذهب اهل سنت.....	۱۷
ب - تحولات علم فقه در میان شیعه.....	۲۱
مبحث دوم: تعریف اصول فقه و موضوع آن.....	۲۳
الف - تعریف اصول فقه.....	۲۳
ب - موضوع اصول فقه.....	۲۴
برای مطالعه بیشتر (۲): نگرشی ژرف‌تر در تعریف اصول فقه و وجه نامگذاری آن.....	۲۵
یک - ضابطه تشخیص مسئله اصولی.....	۲۵
دو - اصول فقه، دانش کشف عناصر مشترک در استنباط.....	۲۶
سه - وجه نامگذاری اصول فقه.....	۲۷
چکیده.....	۲۸

۲۹	مبحث سوم: تعریف حکم شرعی و اقسام آن
۲۹	الف - تعریف حکم شرعی
۳۰	ب - تقسیم حکم: تکلیفی و وضعی
۳۱	ج - اقسام حکم تکلیفی
۳۲	د - تقسیم دیگری از حکم: واقعی و ظاهری
۳۴	هـ. تقسیم حکم واقعی به اولی و ثانوی
۳۶	و. متعلق و موضوع حکم
۳۷	چکیده
۳۸	مبحث چهارم: کاربرد علم اصول فقه در حقوق
۳۹	الف - فهم و تحلیل درست قوانین برگرفته از فقه
۳۹	ب - استفاده صحیح از منابع فقهی به عنوان مستند حکم دادگاه
۴۰	ج - فهم و تحلیل درست قوانین مبتنی بر قواعد اصول فقه
۴۱	د - استفاده از قواعد اصولی در استنباطهای حقوقی
۴۳	مبحث پنجم: تاریخچه علم اصول فقه
۴۵	برای مطالعه بیشتر (۳): بررسی گسترده تر دوره‌های تحول و تکامل اصول فقه شیعه
۴۶	الف - دوره تأسیس اصول و آغاز تألیف
۵۰	ب - دوره کمال و گسترش اصول و تألیف کتب جامع
۵۲	ج - دوره رکود و توقف در فقه و اصول
۵۳	د - دوره تجدید حیات اصول
۵۴	هـ - ظهور حرکت اخباری‌گری و ضعف علم اصول
۵۶	و - دوره جدید علم اصول
۵۹	مبحث ششم: سازماندهی مباحث اصول
۶۱	چکیده
۶۱	خودآزمایی
۶۲	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش

فصل دوم: مباحث الفاظ

۶۷	مقدمه
۶۹	مبحث اول: وضع و استعمال الفاظ
۶۹	گفتار اول: مفهوم وضع و اقسام آن
۶۹	الف: تعریف زبان
۷۰	ب - تعریف وضع
۷۱	ج - اقسام وضع
۷۲	برای مطالعه بیشتر (۴): نکاتی درباره بحث وضع و استعمال الفاظ
۷۲	نکته اول: چگونگی پیدایش زبان (واضع کیست؟)
۷۳	نکته دوم: شیوه‌های واژه‌گزینی در زبان (منابع زاینده زبان)
۷۵	نکته سوم: عرف عام و عرف خاص
۷۶	د - تقسیم الفاظ
۷۶	لفظ مختص
۷۷	لفظ مترادف
۷۸	لفظ دارای چند معنا
۷۸	۱. مشترک
۷۹	۲. منقول
۸۰	۳. حقیقت و مجاز
۸۰	چکیده
۸۲	گفتار دوم: حقیقت و مجاز
۸۲	الف - تعریف حقیقت و مجاز
۸۲	ب - شرایط صحت استعمال مجازی
۸۳	۱. وجود مناسبت
۸۴	۲. وجود قرینه
۸۵	ج - علامتهای حقیقت و مجاز
۸۵	۱. تصریح لغت‌شناسان
۸۵	۲. تبادل
۸۶	برای مطالعه بیشتر (۵): دو نشانه دیگر برای تشخیص معنای حقیقی از مجازی
۸۶	یک - صحت حمل و عدم صحت سلب
۸۷	دو - اطراد

۸۸	د - استعمال مجازی در قوانین
۸۹	ه - اقسام حقیقت
۹۰	یک - حقیقت لغوی
۹۰	دو - حقیقت عرفی
۹۱	سه - حقیقت شرعی
۹۳	برای مطالعه بیشتر (۶): بررسی حقیقت شرعی با توجه به اقسام وضع
۹۴	چهار - حقیقت قانونی
۹۶	و - در موارد اجتماع چند نوع حقیقت، کدام مقدم است؟
۹۹	برای مطالعه بیشتر (۷): تحلیلی از ماده ۲۲۴ ق.م.
۱۰۰	چکیده
۱۰۱	گفتار سوم: استعمال لفظ در بیش از یک معنا
۱۰۳	برای مطالعه بیشتر (۸): مشتق
۱۰۳	الف - طرح بحث (مثال آغازین)
۱۰۴	ب - تعریف مشتق
۱۰۵	ج - توضیح نزاع اصولیان در مشتق
۱۰۷	د - ثمره و فایده عملی بحث مشتق
۱۰۸	ه - نظریات اصولیان
۱۱۰	چکیده
۱۱۰	گفتار چهارم: اصول لفظی
۱۱۰	الف - تعریف و کارکرد اصول لفظی
۱۱۱	ب - بررسی مهم ترین اصول لفظی
۱۱۱	اصالة الحقیقة
۱۱۳	اصالة عدم التقدير
۱۱۳	اصالة الظهور
۱۱۴	اصالة العموم
۱۱۵	اصالة الاطلاق
۱۱۵	ج - حجیت و اعتبار اصول لفظی
۱۱۷	چکیده
۱۱۷	خود آزمایی
۱۱۸	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش

۱۱۹	مبحث دوم: اوامر
۱۱۹	گفتار اول: معنای واژه امر
۱۱۹	معنای لغوی
۱۲۰	معنای اصطلاحی
۱۲۱	گفتار دوم: الفاظ امر
۱۲۲	گفتار سوم: دلالت امر بر وجوب
۱۲۳	برای مطالعه بیشتر (۹): نکاتی درباره دلالت امر
۱۲۳	نکته ۱: ماده و صیغه امر
۱۲۴	نکته ۲: امر عقیب حَظَر (منع)
۱۲۵	نکته ۳: دلالت امر بر فور یا تراخی
۱۲۶	نکته ۴: دلالت امر بر مَرّه یا تکرار
۱۲۷	گفتار چهارم: تقسیمات واجب
۱۲۷	الف - واجب عینی و کفائی
۱۲۸	ب - واجب تعیینی و تخییری
۱۳۱	برای مطالعه بیشتر (۱۰): تفاوت واجب تخییری (تخییر شرعی) با تخییر عقلی
۱۳۲	ج - واجب تعبدی و توصلی
۱۳۴	د - واجب مطلق و مشروط
۱۳۶	ه - واجب موقت و غیر موقت
۱۳۷	برای مطالعه بیشتر (۱۱): واجب معلق و منجز
۱۳۹	چکیده
۱۴۰	مبحث سوم: نواهی
۱۴۰	گفتار اول: تعریف نهی
۱۴۰	گفتار دوم: شیوه‌های بیان نهی
۱۴۱	گفتار سوم: دلالت نهی بر حرمت
۱۴۳	گفتار چهارم: مقایسه امر و نهی
۱۴۴	چکیده
۱۴۴	خودآزمایی (بحث اوامر و نواهی)
۱۴۵	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش

۱۴۶	مبحث چهارم: مفاهیم
۱۴۶	طرح بحث
۱۴۷	گفتار اول: تعریف مفهوم و اقسام آن
۱۴۷	الف - تعریف منطوق و مفهوم
۱۴۸	برای مطالعه بیشتر (۱۲): دو دیدگاه دیگر در تعریف مفهوم و منطوق
۱۴۸	ب - اقسام مفهوم
۱۴۸	۱. مفهوم موافق
۱۵۰	۲. مفهوم مخالف
۱۵۰	گفتار دوم: حجیت و اعتبار مفاهیم
۱۵۲	برای مطالعه بیشتر (۱۳): استناد به مفهوم در قوانین کیفری
۱۵۳	چکیده
۱۵۴	گفتار سوم: بررسی مهم‌ترین نمونه‌های مفهوم مخالف
۱۵۴	الف - مفهوم شرط
۱۵۴	ساختار جمله شرطیه
۱۵۵	دلالت جمله شرطیه بر مفهوم
۱۵۸	برای مطالعه بیشتر (۱۴): اشاره تکمیلی به دلالت جمله شرطیه بر مفهوم
۱۵۸	یک - کاربردهای مختلف جمله شرطیه و تعیین محل نزاع
۱۶۰	دو - شرائط دلالت جمله شرطیه بر مفهوم مخالف
۱۶۱	ب - مفهوم وصف
۱۶۱	طرح بحث (دلالت وصف بر مفهوم)
۱۶۳	بررسی مفهوم وصف در متون قانونی
۱۶۶	مواردی که وصف مفهوم ندارد
۱۶۸	برای مطالعه بیشتر (۱۵): ارزیابی ژرف‌تر در مفهوم وصف
۱۷۰	ج - مفهوم غایت
۱۷۰	تعریف غایت
۱۷۱	دلالت غایت بر مفهوم
۱۷۱	داخل بودن غایت در معنی
۱۷۲	د - مفهوم حصر و استثنا
۱۷۲	دلالت حصر بر مفهوم
۱۷۴	دلالت استثنا بر مفهوم
۱۷۵	ه - مفهوم عدد

۱۷۸	و - مفهوم لقب
۱۷۸	برای مطالعه بیشتر (۱۶): دلالت اقتضا، تنبیه و اشاره
۱۷۹	یک - دلالت اقتضا
۱۸۰	دو - دلالت تنبیه
۱۸۱	سه - دلالت اشاره
۱۸۱	چکیده
۱۸۲	خودآزمایی
۱۸۳	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش
۱۸۴	مبحث پنجم: عام و خاص
۱۸۴	طرح بحث (مثال مقدماتی)
۱۸۴	گفتار اول: مفهوم عام و خاص
۱۸۴	الف - تعریف عام و خاص
۱۸۶	ب - الفاظ عموم
۱۸۶	۱. ادوات عموم (کل، همه و...)
۱۸۶	۲. لفظ جمع
۱۸۷	۳. نکره در سیاق نفی یا نهی
۱۸۸	ج - اقسام عام
۱۸۸	یک - عام استغراقی یا افرادی
۱۸۹	دو - عام مجموعی
۱۹۰	سه - عام بدلی
۱۹۳	چکیده
۱۹۳	گفتار دوم: تخصیص، مخصص و انواع آن
۱۹۳	الف - تعریف تخصیص
۱۹۴	ب - تعریف مخصص و انواع آن
۱۹۴	یک: مخصص لفظی
۱۹۴	۱. مخصص متصل
۱۹۶	۲. مخصص منفصل
۱۹۶	دو - مخصص غیر لفظی (لُئی)
۱۹۷	ج - لزوم وجود تنافی میان عام و خاص برای اعمال تخصیص
۱۹۸	د - حدود و میزان تخصیص (بررسی مسئله تخصیص اکثر)

۱۹۹	برای مطالعه بیشتر (۱۷): نقش مخصص متصل و منفصل و ملاک تشخیص آن دو
۲۰۴	چکیده
۲۰۵	گفتار سوم: میزان اعتبار عام پس از تخصیص
۲۰۶	الف - اعتبار عام در صورت عدم اجمال مخصص
۲۰۷	ب - میزان اعتبار عام در صورت اجمال مخصص
۲۰۷	یک: تعریف اجمال مخصص و انواع آن
۲۰۷	تعریف شبهه مفهومیه
۲۰۷	تعریف شبهه مصداقیه
۲۰۸	اقسام شبهه مفهومیه
۲۱۱	دو: اثر اجمال مخصص در اعتبار عام
۲۱۱	نمودار بحث اجمال مخصص
۲۱۲	فرض اول: شبهه مفهومیه و مخصص متصل
۲۱۴	فرض دوم: شبهه مفهومیه و مخصص منفصل
۲۱۵	فرض سوم: شبهه مصداقیه
۲۱۶	برای مطالعه بیشتر (۱۸): تحلیل علت سرایت یا عدم سرایت اجمال مخصص در انواع شبهه
۲۱۸	چکیده
۲۱۸	گفتار چهارم: عمل به عام، پیش از جستجوی مخصص
۲۱۸	الف - طرح بحث
۲۱۹	ب - جستجوی مخصص متصل
۲۲۱	ج - جستجوی مخصص منفصل
۲۲۳	د - میزان فحص از مخصص
۲۲۵	برای مطالعه بیشتر (۱۹): اصالة العموم و ارتباط آن با بحث جستجوی مخصص
۲۲۶	گفتار پنجم: تخصیص عام به وسیله مفهوم
۲۲۷	الف - تخصیص عام با مفهوم موافق
۲۲۷	ب - تخصیص عام با مفهوم مخالف
۲۳۰	برای مطالعه بیشتر (۲۰): تحلیل رابطه ماده یک قانون مسئولیت مدنی با ماده ۳۲۸ ق.م.
۲۳۱	گفتار ششم: یک مخصص پس از چند عام
۲۳۱	الف - طرح بحث
۲۳۲	ب - دیدگاه‌های اصولیان
۲۳۷	گفتار هفتم: دوران بین نسخ و تخصیص
۲۳۷	الف - مفهوم نسخ و مقایسه آن با تخصیص

۲۳۸	ب - تفاوت نسخ و تخصیص
۲۴۰	ج - بیان صورتهای مختلف مسئله و حکم آنها
۲۴۰	صورت اول: همزمان بودن عام و خاص
۲۴۱	صورت دوم: عام مقدم بر خاص
۲۴۳	صورت سوم: خاص مقدم بر عام
۲۴۵	صورت چهارم: جهل به تاریخ
۲۴۶	برای مطالعه بیشتر (۲۱): پژوهشی ژرف تر در بحث نسخ و تخصیص
۲۵۰	چکیده
۲۵۰	خودآزمایی
۲۵۱	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش
۲۵۳	مبحث ششم: مطلق و مقید
۲۵۳	گفتار اول: مفهوم مطلق و مقید
۲۵۳	الف - تعریف مطلق و مقید
۲۵۴	ب - نسبی بودن اطلاق و تقیید
۲۵۵	برای مطالعه بیشتر (۲۲): رابطه اطلاق و تقیید
۲۵۶	ج - انواع قید
۲۵۶	یک: قید متصل و انواع آن
۲۵۷	دو: قید منفصل
۲۵۷	د - الفاظ مطلق
۲۵۹	ه - انواع اطلاق
۲۵۹	یک: اطلاق استغراقی و بدلی
۲۶۰	دو: اطلاق افرادی، احوالی و آزمانی
۲۶۲	و - فرق مطلق و عام
۲۶۳	برای مطالعه بیشتر (۲۳): دو فرق دیگر بین عام و مطلق
۲۶۴	ز - اطلاق جمله
۲۶۵	چکیده
۲۶۶	گفتار دوم: چگونگی استفاده اطلاق از مطلق
۲۶۶	الف - طرح بحث و نظرات مختلف
۲۶۷	ب - مقدمات حکمت
۲۶۸	یک: در مقام بیان بودن متکلم

۲۷۰	دو: عدم وجود قرینه بر تقیید
۲۷۱	ج - انصراف
۲۷۳	د - قدر متیقن در مقام تخاطب
۲۷۵	ه - نتیجه مقدمات حکمت
۲۷۶	گفتار سوم: حمل مطلق بر مقید (جمع بین مطلق و مقید)
۲۷۶	الف - صورت عدم تنافی بین مطلق و مقید
۲۷۷	ب - صورت تنافی بین مطلق و مقید
۲۷۸	یک: مطلق و مقید غیر همسان (مختلفین)
۲۷۸	دو: مطلق و مقید همسان (متفقین)
۲۸۰	گفتار چهارم: اطلاق مقامی
۲۸۱	چکیده
۲۸۲	خودآزمایی
۲۸۳	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش
۲۸۴	مبحث هفتم: مجمل و مبین
۲۸۴	گفتار اول: تعریف مجمل و مبین
۲۸۵	گفتار دوم: تقسیم مبین به نص و ظاهر
۲۸۶	گفتار سوم: عوامل بروز اجمال در کلام
۲۸۹	گفتار چهارم: راه‌های رفع اجمال
۲۸۹	الف - رفع اجمال در متون قانونی
۲۹۲	ب - رفع اجمال از عبارات افراد
۲۹۴	چکیده
۲۹۴	موضوعات پیشنهادی برای پژوهش
۲۹۵	فهرست منابع و مآخذ
۲۹۵	الف - منابع فارسی
۲۹۹	ب - منابع عربی
۳۰۲	نمایه مواد قانونی، آراء وحدت رویه و نظریات شورای نگهبان

پیشگفتار

الف - نگاهی به رابطه اصول فقه و منطق حقوق

۱. عقل و اندیشه، سرمایه ارزشمند انسان در زندگی است که به مدد آن بر جهان طبیعت چیره می‌شود، به علوم و فنون مختلف راه می‌یابد و همه چیز را در خدمت خویش درمی‌آورد. پیدایش و گسترش علوم مختلف نیز مرهون همین گوهر گرانبه‌است؛ زیرا تنها در سایه تفکر و اندیشه می‌توان به استدلال و استنتاج پرداخت و به قواعد کلی و تعمیم‌پذیر دست یافت. اما پرسشی که همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته این است که چگونه بیندیشیم تا به اشتباه و خطا دچار نشویم و بر اساس چه قواعد و ضوابطی استدلال کنیم تا به نتایج درست دست یابیم. به مرور زمان، این حقیقت پذیرفته شد که تفکر و استدلال باید بر پایه موازین و ضوابطی صحیح و معقول سامان یابد تا انسان را به نتیجه‌ای درست و پذیرفتنی رهنمون کند. از این رهگذر، علمی به نام «منطق» پدید آمد تا راه و رسم درست اندیشیدن را ترسیم کند و شیوه‌های استدلال و کشف مجهولات را مشخص نماید. بی‌جهت نیست که در تعریف علم منطق گفته‌اند: منطق ابزاری است که ذهن را از انحراف و خطا در اندیشه باز می‌دارد.

۲. «منطق» در مفهوم عام خود شیوه درست اندیشیدن و درست استدلال کردن را می‌آموزد و کیفیت چینش معلومات برای رسیدن به مجهولات را نشان می‌دهد. «منطق» به این مفهوم، در همه علوم به کار می‌رود و به همین اعتبار به آن «منطق عمومی» گفته‌اند. صاحب‌نظران علوم مختلف به تدریج دریافته‌اند که استدلال علمی برای کشف مجهولات و استنتاج قواعد کلی در هر علم، علاوه بر قواعد عام منطق، نیازمند ضوابط و موازین ویژه‌ای

است که باید با توجه به ماهیت، مبانی، اهداف و مسائل آن علم تدوین و تنظیم شود. به بیان دیگر هر یک از علوم بشری، با توجه به عناصر یاد شده، روش تحقیق و منطق ویژه‌ای می‌طلبد که بی‌توجهی به آن باعث انحراف در مسیر رشد و گسترش آن علم و موجب درهم ریختن سامان علمی آن خواهد شد. به همین جهت بسیاری از اندیشمندان کوشیدند تا با توجه به ماهیت، مبانی و اهداف هر علم، قواعد ویژه تفکر و استدلال و به دیگر سخن، منطق آن علم را به صورت منسجم و قاعده‌مند ترسیم نمایند. در این راستا تلاش فقیهان اسلامی و حقوقدانان قابل توجه است.

۳. با پیدایش علم فقه در قرن اول هجری، به تدریج، توجه فقیهان به این نکته جلب شد که باید روشهای استدلال فقهی و قواعد کلی استنباط حکم شرعی رامشخص کرد تا از میزان خطا و اشتباه در آن کاسته شود؛ بدین ترتیب، علم اصول فقه پا به عرصه وجود گذاشت. در واقع، علم اصول فقه، شیوه صحیح تفکر و استدلال فقهی را نشان می‌دهد و به همین جهت، آن را منطق علم فقه نامیده‌اند.

صاحب‌نظران حقوق نیز درباره منطق حقوق، بحثهای فراوانی کرده‌اند. مسئله «منطق حقوق» هر چند در کشور ما سابقه چندانی ندارد و بحثی جدید به نظر می‌رسد، در کشورهای غربی، که زادگاه حقوق موضوعه به شمار می‌رود، بحثی پردامنه و دیرینه است. سالها این پرسش مطرح است که آیا علم حقوق، از همان منطق ریاضی یا تجربی پیروی می‌کند یا منطقی ویژه خود را دارد؟ در این باره دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده اما گذشته از این اختلافات، نمی‌توان تردید داشت که منطق حقوق - هر چه باشد - نمی‌تواند با ماهیت، مبنا و هدف حقوق، بیگانه باشد و بر اساس همین عناصر باید ضوابط استدلال و تجزیه و تحلیل در این علم را مشخص کرد. ضرورت توجه به منطق حقوق، به‌ویژه در دوران اخیر، که اندیشه تجربی بر همه علوم و از جمله حقوق موضوعه چیره شده و استدلالهای لفظی، کاربرد محوری خود را از دست داده، بیشتر نمایان است. امروزه در بسیاری از نظامهای حقوقی، تجزیه و تحلیل، استدلال و نظریه‌پردازی در قلمرو حقوق، بیش از آنکه مبتنی بر قواعد لفظی یا موازین خشک منطق باشد، رنگی از تجربه به خود گرفته و مبتنی بر پژوهشهای میدانی و تجربی است.

۴. علم فقه قرن‌هاست که در مراکز علمی ایران با هدف و منطق ویژه خود دنبال می‌شود و

در عمل نیز در ساماندهی روابط اجتماعی و زندگی فردی افراد نقش دارد؛ اما از شکل‌گیری حقوق موضوعه در ایران بیش از یک قرن نمی‌گذرد. حقوق، شباهتها و قلمروهای مشترک بسیاری با فقه دارد، شاید به همین دلیل، این اندیشه نادرست پدید آمده که حقوق همان فقه است در لباسی نو و یا به تعبیر دیگر، حقوق ویرایشی مدرن از فقه سنتی است. این اندیشه هر چند در برخی زمینه‌ها رنگی از واقعیت دارد، بی‌گمان تمام واقعیت نیست. حقوق دانشی است که در زادگاهی متفاوت و براساس زیرساختها و مبانی خاصی شکل گرفته است و هدف و آرمان ویژه‌ای را دنبال می‌کند.

اختلاف نظر در ماهیت و رابطه فقه و حقوق، باعث اختلاف نظر در منطق این دو علم نیز شده و این پرسش را در پی داشته است که آیا قواعد اصول فقه، که در استدلالهای فقهی از آنها استفاده می‌شود، در حقوق نیز کاربرد دارد یا باید منطق ویژه‌ای برای حقوق موضوعه در کشور تدوین کرد؟

۵. بی‌تردید نمی‌توان کوتاه بینانه، فقه و حقوق را دو نام برای یک علم دانست و از تفاوت‌های ماهوی آن دو چشم پوشید و قواعد اصول فقه را برای علم حقوق نیز کافی پنداشت. همچنان که نمی‌توان با تکیه بر تفاوت‌های فقه و حقوق، علم اصول فقه را فاقد کاربرد در حقوق دانست و آن را ویژه استنباط احکام شرعی قلمداد کرد.

به نظر می‌رسد در این چالش فکری باید راه میانه‌ای برگزید. به اعتقاد ما، حقوق به دلیل داشتن مبانی، اهداف و فلسفه خاص حاکم بر آن، ابزارها، قواعد و منطق ویژه خود را می‌طلبد و نمی‌توان در استدلالها و تجزیه و تحلیل‌های حقوقی و نیز در قانونگذاری و قاعده‌سازی تنها به قواعد مندرج در اصول فقه بسنده کرد. البته نباید این حقیقت را نادیده گرفت که حقوق امروز ایران، آمیخته‌ای است از حقوق عرفی و حقوق اسلامی؛ زیرا بخش عظیمی از حقوق ایران از فقه اقتباس یافته و بخشی نیز از حقوق سایر کشورها به عاریت گرفته و با فقه منطبق شده است.

براساس این واقعیتها باید به منطق حقوق به عنوان علمی مستقل توجه کرد و قواعد و مسائل آن را با نگاهی ویژه علم حقوق و البته هماهنگ با اعتقادات، ارزشها و مبانی حقوق اسلامی به رشته تحریر درآورد. البته این امر نیازمند ژرف‌پژوهی‌های گسترده است که امید می‌رود با تلاش و همت صاحب‌نظران، این مسیر طولانی پیموده شود.

۶. به نظر می‌رسد نخستین گام برای تدوین منطق حقوق در ایران، بهره‌گیری از سرمایه علمی موجود در جامعه علمی ماست. در پیمودن این راه، بیشترین توشه را می‌توان از خرمن دانش اصول فقه که قرن‌ها در چالش فکری اندیشمندان مسلمان، پختگی و کمال یافته برداشت. روشن است که اصول فقه برای استفاده از آن در قلمرو فقه تدوین شده و مباحث آن بر پایه مبانی کلامی خاص و با توجه به هدف و آرمان فقه به رشته تحریر درآمده است. اما در حقیقت به جز برخی مباحث اصولی، که ویژه فقه و استنباط فقهی است، دیگر مباحث مطرح در اصول فقه، اختصاصی به فقه نداشته و در علم حقوق نیز کاربرد دارد. البته به کار گرفتن قواعد اصول فقه در حقوق نیازمند فهم و تحلیل درست آن و هماهنگ ساختن آن با ویژگی‌های خاص علم حقوق است. بسیاری از قواعد و مسائل مطرح شده در اصول فقه باید با نگرشی ویژه و گاه ویرایشی جدید بازپژوهی و بازنویسی شود و با تکیه بر نمونه‌های عینی و کاربردهای عملی آن در خدمت علم حقوق قرار گیرد.

ب - انگیزه تألیف

نویسندگان این کتاب به هیچ‌روی در صدد تألیف کتابی در منطق حقوق نبوده‌اند، چه اینکه این کار، پژوهشی ژرف‌تر و مجالی گسترده‌تر می‌طلبد. کوشش نگارندگان آن بوده که قواعد و مسائل اصول فقه را با نگرشی ویژه به علم حقوق مطرح سازند و کاربردهای عملی قواعد اصول فقه در قلمرو حقوق را نشان دهند. مهم‌ترین انگیزه نگارش کتاب آن است که قواعد و مسائلی از اصول فقه که در حقوق کاربرد دارد و در استدلال‌های حقوقی نیاز است به صورتی ساده، روان، متقن و همراه با نمونه‌ها و مثال‌های حقوقی برای دانشجویان رشته حقوق بیان شود. البته در کنار این هدف، با توجه به پیوند و ارتباط فقه و حقوق در ایران، برخی دیگر از مباحث اصول فقه نیز - هر چند کاربرد کمتری در حقوق دارد - بحث شده، تا دانشجویان، به صورت کامل‌تری با علم اصول فقه آشنا شوند.

از سوی دیگر، به‌رغم نقش اساسی قواعد اصولی در همه عرصه‌های حقوق، اسف‌مندانه بی‌علاقگی و کم‌توجهی دانشجویان حقوق را به این علم شاهدیم. شاید نبودن روش تدریس مناسب و شیوه‌های جذاب آموزشی و احساس نیاز نکردن به این علم از جمله عوامل مهجوریت اصول فقه در دانشکده‌های حقوق باشد. بر این اساس، از دیگر

انگیزه‌های تألیف آن بوده که علاوه بر سادگی و روانی مباحث و ذکر مثالهای حقوقی، با افزودن قسمتهایی چون چکیده، خودآزمایی، برای مطالعه بیشتر و...، بر جذابیت و کارایی کتاب به عنوان یک متن آموزشی بیفزاید.

ج - ویژگی‌های مورد توجه در این کتاب

تألیف این کتاب به معنای نادیده گرفتن آثار ارزشمند نگاشته شده در این زمینه نیست. چندین سال است که برخی از استادان حقوق در زمینه تألیف متنی ساده و کاربردی برای درس اصول فقه در رشته حقوق احساس نیاز کرده و کتاب و جزوه‌های ارزشمندی ارائه داده‌اند، ولی این آثار خالی از نقصان نیست.

نگارندگان این اثر نیز به هیچ وجه ادعای آن ندارند که اثری بدیع آفریده یا طرحی نو در انداخته‌اند. رشد علم و تکامل تألیفات علمی، تدریجی و به هم پیوسته است. بی‌گمان آنچه نویسنده از دیگران آموخته و اندوخته‌هایی که از نسلهای قبل در زمینه آن علم بر جای مانده، خواسته یا ناخواسته در تألیفات علمی و تخصصی اثرگذار است؛ اما هنر یک نویسنده موفق آن است که در تألیف خود، به نقص آثار گذشته توجه کند و برای رفع آن و ارائه مطالب کامل‌تر، گامی هر چند کوچک بردارد. ما نیز در این نوشتار با توجه به کارکرد و هدف یک متن آموزشی، ویژگی‌های خاصی را در نظر داشته‌ایم و تمام تلاش خود را برای تحقق این ویژگی‌ها به کار برده‌ایم، اما اینکه چه میزان در رسیدن به هدف خود موفق بوده‌ایم، مسئله‌ای است که قضاوت آن با خوانندگان محترم است.

ویژگی‌های مورد نظر

۱. جامعیت نسبت به مباحث اصول فقه (مباحث کاربردی اصول فقه به طور کامل و مباحث صرفاً نظری یا فاقد جنبه کاربردی نیز جهت آشنایی دانشجویان، به اختصار ذکر شده است).
۲. کاربردی کردن قواعد اصولی با توجه به قوانین و مقررات جاری، تکثیر مثال و ذکر نمونه‌های مختلف حقوقی در هر مورد.
۳. سادگی، روانی، قابل فهم بودن آن برای مخاطبان.

۴. اتقان، پختگی مباحث و رعایت امانت در نقل دیدگاه‌ها.
۵. حذف برخی بحثهای طولانی و تخصصی و در حد امکان تکیه بر اختصار مباحث.
۶. جداسازی مباحث اصلی و کلیدی از مباحث عمیق و حاشیه‌ای.
۷. سوق دادن دانشجویان به پژوهش در اصول.

د - معرفی قسمت‌های مختلف کتاب

۱. متن اصلی کتاب

در تنظیم متن اصلی کتاب سعی شده با حفظ صحت و دقت، مباحث اصولی با عباراتی روان، گویا و قابل فهم برای دانشجویان به رشته تحریر درآید و علاوه بر این، مباحث کاربردی‌تر با مثالها و نمونه‌های حقیقی مطرح شود.

۲. برای مطالعه بیشتر

برخی از مباحث به دلیل فنی و دشوار بودن یا کاربرد نداشتن در حقوق یا حاشیه‌ای بودن آن، در متن کتاب ذکر شده و برای پرداختن به آنها، قسمتی با عنوان «برای مطالعه بیشتر» بدان اختصاص یافته است. این بخش، هم برای دانشجویان جویای اطلاعات بیشتر و ژرف‌تر درباره مباحث اصولی مفید است و هم کتاب را برای تدریس در سطوح بالاتر مانند کارشناسی ارشد مناسب می‌سازد.

۳. خودآزمایی

یادگیری قواعد اصولی تا حدود زیادی به تمرین و ممارست نیاز دارد. بخش خودآزمایی که در آخر مباحث آمده است، زمینه این تمرین را فراهم می‌کند و استادان محترم را در تهیه و تنظیم تمرینهای بیشتر و طرح سؤالات امتحانی یاری می‌دهد.

۴. موضوعات پیشنهادی برای پژوهش

این بخش با اعتقاد به این باور که کتاب آموزشی باید راهنما و برانگیزاننده دانشجو به پژوهش باشد و دورنمای پژوهش در آن علم را فراروی وی قرار دهد، تنظیم شده است.

ناگفته پیداست که هر یک از مباحث این کتاب - از لحاظ نظری یا کاربردی - می‌تواند موضوع مستقلی برای پژوهش باشد. در این قسمت سعی شده، تنها موضوعاتی مطرح شود که یا در متن کتاب نیامده و یا بسیار کوتاه و گذرا به آن اشاره شده است. بنابراین، در پایان هر بخش، فهرستی از مطالب مرتبط با همان فصل مطرح می‌شود تا دانشجویان بتوانند با توجه به علاقه و توان خود، موضوع تحقیق خود را انتخاب کنند.

از سوی دیگر، این موضوعات دانشجویان را با مباحثی که در کتاب ذکر نشده، ولی اصولیان در مورد آن پژوهش کرده‌اند آشنا می‌کند و گستره و ژرفای علم اصول را آشکارتر می‌سازد. گفتنی است هر چند مخاطبان اصلی کتاب، دانشجویان رشته حقوق در مقطع کارشناسی هستند، از آنجا که ممکن است این کتاب در مقاطع بالاتر دانشگاه یا در مراکز آموزشی دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد، سعی شده است تا در قسمت «موضوعات پیشنهادی برای پژوهش»، ضمن بیان موضوعات ساده و سهل‌الوصول، موضوعات تخصصی نیز ذکر شود.

در ضمن در برابر برخی موضوعات، مهم‌ترین منابع معرفی شده‌اند تا راهنما و سرآغاز تحقیق قرار گیرند.

۵. چکیده مطالب

برای یادآوری و به‌خاطر سپاری تعریفها و مباحث اصلی، پس از چند بحث، قسمتی با عنوان «چکیده مطالب» تنظیم شده که به صورت گذرا، نکات اصلی درسها را یادآوری می‌کند.

۵- ترتیب مباحث کتاب

اصولیان شیعه و سنی هر کدام ترتیب خاصی برای طرح مباحث اصولی بیان کرده‌اند و کمابیش به همان ترتیب ابداعی خود پایبند بوده‌اند. البته با تکامل و پیشرفت این علم مباحث جدیدی در این زمینه مطرح شده که در گذشته عنوان نشده است. در این کتاب نیز در زمینه چینش مباحث در اغلب موارد از ترتیب منطقی و مطرح در کتابهای اصولیان شیعه پیروی شده است، تا مخاطبان کتاب آسان‌تر به منابع اصلی مراجعه کنند.

مجموع مباحث اصول فقه در پنج فصل و به ترتیب ذیل مطرح می شود:

۱. کلیات و مفاهیم؛

۲. مباحث الفاظ (شامل مباحث وضع، اوامر، نواهی، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و

مقید، مجمل و مبین)؛

۳. منابع فقه یا ادله و امارات (کتاب، سنت، اجماع، عقل و...)

۴. اصول عملیه (برائت، استصحاب، احتیاط و تخییر)؛

۵. تعارض ادله.

شایان ذکر است که فصل اول و دوم به جلد اول کتاب اختصاص دارد و فصلهای بعد در جلد دوم کتاب عرضه خواهد شد.

و - سخنی با استادان محترم

۱. شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که حجم کتاب و مباحث آن، بیش از ظرفیت دو واحد درسی است. نویسندگان نیز بر این امر واقف بوده و اذعان دارند که همه مباحث این کتاب را نمی توان در دو واحد درسی تدریس کرد، اما هدف این است که علاوه بر استفاده از متن درسی، این کتاب بتواند به عنوان یک منبع مطالعاتی کامل در دسترس دانشجویان و دیگر علاقه مندان قرار گیرد. از طرفی، بیش از $\frac{1}{3}$ کتاب با عنوان «برای مطالعه بیشتر»، مطرح شده که قاعدتاً تدریس نمی شود. به علاوه، همه مطالب کتاب نیز از نظر اهمیت و کاربرد، در درجه یکسان قرار ندارند، از این رو استادان محترم می توانند با توجه به سطح علمی دانشجویان و نیز زمان بندی کلاس، مباحث اصلی و کاربردی تر را گزینش و تدریس کنند.

۲. به طور کلی، روش تدریس یک علم با روش تدوین کتاب متفاوت است. منطق نگارش اقتضا می کند که مباحث یک علم به صورتی منطقی و در چهارچوبی منظم سامان یابد، ولی در تدریس مطالب ممکن است با توجه به فهم و آمادگی دانشجویان و اقتضای کلاس، تغییراتی در چینش و تقدم و تأخر مطالب لازم باشد که در چنین مواردی، استاد مربوط با توجه به تجربه و تسلط خود، بهترین نحوه طرح درس را به سلیقه خود انتخاب می کند. در این کتاب سعی بسیاری شده تا در حد امکان ترتیب منطقی مباحث حفظ شود و در عین حال، مطالب به گونه ای در پی هم آید که تدریس آن ساده تر و قابل فهم تر باشد.

۳. تلاش نگارندگان بر آن بوده تا در حد بضاعت علمی خود، اثری به دور از نقص و کاستی ارائه دهند. راهنمایی‌ها و نظریات استادان محترمی که به عنوان ارزیاب، بر این کار نظارت داشته‌اند، از اشکالات این اثر بسیار کاسته است. علاوه بر این، مؤلفان و برخی استادان متن کامل کتاب را پیش از انتشار، چندین بار، تدریس کرده و برخی اشکالات آن را برطرف نموده و اصلاح کرده‌اند. با وجود این، ممکن است هنوز اشکالات و نواقصی در آن وجود داشته باشد که از دیده تیزبین اهل تحقیق مخفی نمی‌ماند. نقدپذیری را لازمه پیشرفت در عرصه علم می‌دانیم و از نظریات، پیشنهادها و انتقادهای صاحب‌نظران گرامی استقبال می‌کنیم.

در پایان، لازم می‌دانیم از همه استادان و دوستانی که با همفکری و ارائه دیدگاه‌های ارزنده خود ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، به‌ویژه اعضای محترم شورای علمی و مسئول گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز ارزیابان محترم کتاب تشکر و تقدیر نماییم. امید است این اثر ناچیز مورد رضای حضرت حق و مورد قبول اهل دانش و فرهنگ قرار گیرد، ان شاء الله.

حسین قافی - سعید شریعتی فرانی

خرداد ۱۳۸۵

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱.۰ مقدمه

فقه و اصول، دو علم کهن و گسترده است که در مهد فرهنگ اسلامی متولد شده و در پرتو تلاشهای اندیشمندان مسلمان رشد یافته است: علم «فقه»، دانش دستیابی به احکام و مقررات شرعی و وظیفه عملی انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است و علم «اصول» - چنانکه به تفصیل خواهیم گفت - درباره مبانی و پایه‌های فقه و ابزارها و روشهای استنباط احکام سخن می‌گوید و هدف آن، ساماندهی به پژوهشهای فقهی و پرهیز از انحراف و خطا در آن است.

علم اصول در دامان فقه پرورش یافته و به خدمت آن در آمده است. با توجه به این سابقه تاریخی و رابطه تنگاتنگ این دو علم، لازم است پیش از تعریف اصول فقه و بیان تاریخچه آن، به تعریف علم فقه و سیر پیدایش و تحول آن بپردازیم. آشنایی با علم فقه، ما را با زمینه‌های پیدایش علم اصول آشنا می‌کند، به همین جهت، اولین مبحث از این فصل به آشنایی با علم فقه اختصاص یافته و در ادامه، تعریف علم اصول، موضوع و تاریخچه آن بررسی خواهد شد. تعریف حکم و اقسام آن، سازماندهی مباحث اصول فقه و کاربرد اصول فقه در حقوق، از دیگر مباحث این فصل است.

۶. مبحث اول: تعریف علم فقه و فلسفه پیدایش آن

دین اسلام آخرین شریعت الهی است که برای هدایت انسانها آمده است. مجموعه تعالیم این دین را می‌توان در سه بخش زیر جای داد:

۱. اعتقادات و اصول دین: مجموعه آموزه‌های اعتقادی که بیانگر نحوه نگرش انسان به هستی، آفریننده جهان، راهنمایان دین و معاد بوده و هدف از آنها، شناخت، ایمان و اعتقاد است.

۲. احکام و مسائل عملی: مجموعه مقررات و احکام عملی که بیان‌کننده وظایف و حقوق انسانها در زندگی فردی و اجتماعی است.

۳. مسائل اخلاقی و تربیتی: که در بردارنده مباحث نظری و دستور العمل‌های اخلاقی برای پاکسازی روح و تهذیب نفس انسان است.

واژه «فقه» که در لغت به معنای علم و فهم آمده^۱ در صدر اسلام به معنای فهم احکام و معارف اسلامی (اعم از عقاید، احکام عملی و اخلاقیات) به کار می‌رفت؛^۲ بر این اساس به کسی «فقیه» گفته می‌شد که قدرت فهم و دریافت معارف اسلامی را دارا و آگاه به احکام اسلامی بود. کلمه فقه و مشتقات آن در قرآن کریم و روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) نیز به همین معناست^۳ کاربرد فقه بدین معنا تا سالها رواج داشت، چنانکه ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰هـ) علم کلام^۴ را «فقه اکبر» می‌نامید.^۵

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۵.

۲. بدران ابو العینین بدران، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۱۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۶.

۳. برای مثال خداوند متعال در آیه ۱۲۲ از سوره توبه به مسلمانان دستور می‌دهد که از هر طایفه، گروهی برای «تفقه» در دین هجرت کنند و پس از آشنایی با معارف اسلامی، برای ارشاد و راهنمایی قوم خود به سوی آنان باز گردند. مراد از تفقه در این آیه، فهم همه معارف دینی اعم از اصول و فروع دین است، نه خصوص احکام عملی (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۰۴).

۴. علم کلام علمی است که به بررسی اصول دین و آموزه‌های اعتقادی می‌پردازد.

۵. بدران، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۱۱.